

حقوق زنان



انستات کتبان

www.ketab.ir

نویسندگان: منیر فخاری، ابراهیم اسکندری، پروین نظری بنگجه

سرشناسه: فخاری، منیر، ۱۳۵۴:

عنوان: حقوق زنان:

نویسندگان: منیر فخاری، ابراهیم اسکندری، پروین نظری ینگه:

ویراستار: یاسر راستی:

وضعیت ویراست: اول:

مشخصات نشر: تهران: گنجیران، ۱۳۹۷:

مشخصات ظاهری: ۱۵۴ صفحه:

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۹۸۶۶-۳-۹:

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال:

وضعیت فهرست نویسی: فیفا:

یادداشت: کتابنامه:

موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۸۸ - دیدگاه درباره زن:

موضوع: Khomeyni, Ruhollah, Leader and Founder of IRI - Views on women:

موضوع: زنان (Islam) / ایران - Women (Islamic law) / Iran:

موضوع: حقوق - جنبه های مذهبی - اسلام / Women's rights - Religious aspects - Islam:

موضوع: زنان - جنبه های مذهبی - مطالعات تطبیقی / Women - Religious aspects - Comparative studies:

موضوع: زنان - مع حقوقی و قوانین - ایران / Women - Legal status, laws, etc. - Iran:

موضوع: زنان در اسلام / Women in Islam:

شناسه افزوده: اسکندری، ابراهیم، ۱۳۸۳:

شناسه افزوده: نظری ینگه، پروین، ۱۳۸۳:

رده بندی کنگره: ۷۱۳۹۷ ح ۳۰/۱ - ۳۳۰:

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳۱:

شماره کتاب شناسی ملی: ۵۴۴۸۲۴۳:



انتشارات گنجیران

عنوان: حقوق زنان:

نویسندگان: منیر فخاری، ابراهیم اسکندری، پروین نظری ینگه:

ویراستار: یاسر راستی:

طراح جلد و صفحه آرا: سروش اسمعیل زاده:

ناظر نشر: نورالدین گنج خانلو:

مدیر برنامه ریزی: یاسر راستی:

ناشر: انتشارات گنجیران:

چاپ: گنجیران:

صحافی: گنجیران:

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه:

چاپ اول: ۱۳۹۷:

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال:

تلفن: ۳۳۸۴۲۷۲۶-۹

نشانی: تهران، افسریه، خیابان ۳۰، پلاک ۱۴۷، انتشارات گنجیران

رایانامه: ganjiran@yahoo.com

* کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر به انتشارات گنجیران تعلق دارد.*

فهرست مطالب

۱	مقدمه
۹	حقوق زنان در جامعه غرب
۱۱	فصل اول: زن از دیدگاه ادیان مسیحیت و یهودیت
۱۵	دیه و ارث زن از نظر اسلام و غرب
۲۰	فصل دوم: زن از دیدگاه غرب
۲۲	خانواده از دیدگاه غرب
۳۵	نگاهی گذرا به اقتراطلبی زنان در تاریخ
۴۲	فمینیسم و کرایش‌ها
۴۵	امواج سه‌گانه‌ی فمینیسم
۵۱	فصل سوم: زن از دیدگاه اسلام
۵۶	جایگاه زن در اسلام
۵۷	زنان و مشورت از نظر اسلام
۶۱	علت تفاوت حقوق زن و مرد از جمله در مسئله ارث و حق طلاق
۶۳	تشابه و یکنواختی کامل در حقوق زن و مرد
۶۴	اشتراک تکوینی و تشریعی زن و مرد در قرآن
۶۵	تفاوت‌های ساختاری زن و مرد
۶۷	ملاک تفاوت‌های تشریعی میان زن و مرد
۶۹	«تساوی» آری، «تشابه» خیر
۶۹	عدل خداوند در برقراری حقوق زن و مرد
۷۰	خانواده از دیدگاه اسلام
۷۳	نظریه اسلام در خصوص حقوق زن و مرد
۷۵	دیدگاه اسلام نسبت به زن
۸۰	عدل خداوند در برقراری حقوق زن و مرد

۸۰	حقوق زن و مرد در اسلام
۸۲	ضمانت اجرای حقوق زن و مرد در اسلام
۸۵	تفاوت حقوقی بین زن و مرد
۸۷	فلسفه تفاوت بین زن و مرد در احکام الهی
۹۰	دیدگاه اسلام و غرب در خصوص دیه و ارث زن
۹۲	قصاص زن
۹۴	قصاص مربوط مرد در قبال قتل زن
۹۵	قصاص قتل زن
۹۷	زن و دیه متفاوت
۹۹	زن و قصاص اعضا و حیوانات
۹۹	حکمت تفاوت دیه زن و مرد
۱۰۳	روایات متعدد در خصوص زنان
۱۰۶	نگاهی بر چند مسئله مربوط به حقوق زن در اسلام
۱۲۰	فصل چهارم: مقام و شأن زن از منظر امام خمینی (ره)
۱۲۲	مشارکت سیاسی
۱۲۳	حضور در عرصه سازندگی
۱۲۴	تلاش فرهنگی
۱۲۴	مشارکت در نظارت عمومی
۱۲۵	حضور در دفاع و تدارک میدان نبرد
۱۲۶	مخالفت امام خمینی (ره) با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی
۱۲۸	حقوق انسانی و اجتماعی زنان
۱۳۱	زن، خانواده و جامعه
۱۳۲	زنان و انقلاب
۱۳۳	زنان و جنگ

۱۳۴	 زنان و قدرت سیاسی
۱۳۶	 برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره) در خصوص زنان
۱۳۷	 بیابید سؤالاتتان را مطرح کنید
۱۳۷	 شاه را این مردم بیرون کردند
۱۳۸	 خانم‌ها باید در تمام مراحل شرکت داشته باشند
۱۳۸	 روی رنگ نظر نداشتند
۱۳۹	 یک همسر انتخاب کردند
۱۳۹	 تربیت فرزند از دهنم می‌آید
۱۳۹	 احترام به ...
۱۳۹	 جوان‌ها بیشتر خ ... را ...
۱۴۱	 فهرست منابع

مقدمه

ابتدا نکته‌ای را درباره روش‌های غیرمنطقی و غیراصولی - اما متأسفانه مؤثر در تبلیغ - گوشزد می‌کنیم و آن القاء یک مطلب به روش غیرمستقیم است. وقتی مسئله‌ای اصل و مرکز سخن قرار می‌گیرد، همه توجه‌شونده روی آن مسئله متمرکز می‌شود و از مسائل فرعی و جانبی مطرح‌شده در آن سخن غفلت می‌کند. از آنجاکه آن مسائل جانبی مورد توجه مستقیم او نیستند، نیاز به دلیل در مورد آن‌ها احساس نمی‌شود. لاجرم به‌طور ناخودآگاه و بدون دلیل موردپذیرش شخص قرار گرفته و اثر فکری و فرهنگی خود را می‌گذارد.

«یکی از بهانه‌هایی که مسیحیان و دیگر ادیان در مورد اسلام دارند، نامساوی بودن حق زن در اسلام است.» مسئله اصلی و مرکز سخن در این سؤال عدم تساوی حقوق زن و مرد در اسلام است. اما در کنار آن یک مسئله فرعی دیگر القا می‌شود و آن این که مسیحیت و دیگر ادیان تساوی حقوق زن و مرد را پذیرفته‌اند و زن را به حق واقعی او رسانده‌اند؟ اگر زن، خویش را در آینه کوه و چهره‌ای که خداوند به وی عطا کرده است نظاره کند، هرگز در حسرت جایگاه اجتماعی خود، زن به شکیوه نمی‌گشاید.

این که هیچ پیامبر (ص) و معصومی از غیر بر او نازل نشده و در مکتب غیر مادر رشد و نمو نمی‌کند، از جایگاه محوری زن در حیات دینی و اجتماعی بشر خبر می‌دهد. یکی از بزرگان عرفان جایگاه دینی زن را چنین به تصویر کشیده است: «زن به لحاظ داشتن قدرت خالقت که تنها از صفات خاص خداوند سبحان است، برای رسیدن به کمال مستعدتر است». جایگاه اجتماعی زن، در منظر یکی از شخصیت‌های جهانی این گونه است: «زن با یکدست گهواره و با دست دیگر تاریخ بشریت را حرکت می‌دهد».

وجود این دو ویژگی، زن را در دو بعد عرفانی و اجتماعی به رقیبی بلا ارفع مبدل ساخته است، به گونه‌ای که اگر مردان جایگاه واقعی زن در کائنات را درمی‌یافتند، بدان رشک می‌بردند.

به نظر می‌رسد، بشریت به‌خصوص جهان غرب جایگاه رفیع زن را دریافته است و نمی‌خواهد حق وی را حتی به شکل صوری به وی بازگرداند. به‌راستی چند درصد از وکلا، معاونان و رؤسای جمهور کشورهای غربی زن هستند و در دایره‌ای محدودتر چند درصد از نیروهای سازمان‌های بین‌المللی را زنان تشکیل می‌دهند؟

مقام و جایگاه زن تنها در حکومت امام زمان (عج) شناخته می‌شود. در این حکومت است که زن به جایگاه حقوقی و حقیقی خود دست می‌یابد. در این حکومت نگرش مردان به زنان دگرگون می‌شود. شعور فکری زن بدان جا می‌رسد که به «زن بودنش افتخار می‌کند» و هرگز خود را با مرد نمی‌سنجد.

نقش حکومت اسلامی قبل از برپایی حکومت مهدی -عجل الله فرجه الشریف- بارور ساختن باور زن به خویش، رهانیدن وی از سراب‌های کاذب ای ستم‌ها و ایست‌ها و اعطای حقوق اجتماعی به وی تا مرز آسیب ندیدن گوهر وجودی او است. در حکومت مهدی -عجل الله فرجه الشریف- از سویی نگرش جامعه به زن و از سوی دیگر نگرش زن به خود تغییر می‌یابد. حکومت مهدی (عج) به لحاظ فراگیر بودن، امنیت شغلی برای زن را فراهم می‌آورد و زن در بهر کار امنیتی نگرش و امنیت کاری، از توان عینیت بخشیدن به ایده‌ها و اندیشه‌هایش بهره‌مند می‌شود.

زن در حکومت مهدی -عجل الله فرجه الشریف- به جایگاه رفیع و واقعی خود دست می‌یابد. شاید رمز رجعت زنان بزرگ موحد و حضور آنان در ساختار حکومتی مهدی -عجل الله فرجه الشریف- شکوفا شدن استعدادهای آنان باشد، استعدادهایی که در حکومت‌های دیگر توان بروز نیافتند.

رجعت ۴۰۰ زن در کنار ۸۰۰ مرد با حضرت عیسی -علیه‌السلام- و نیز رجعت زنانی چون ام‌ایمن، حبابه و البیه، سمیه و ام‌خالد در این راستا قابل تحلیل می‌نماید.^۱

گذشته از رجعت این زنان که بی‌شک در حکومت امام زمان -عجل الله فرجه الشریف- از جایگاه محوری و مسؤولیت‌های کلیدی برخوردار خواهند بود و عدد ۵۰ زن در میان ۳۱۳ تن یاور امام عصر -عجل الله فرجه الشریف- که هر یک در عبادت زهد و پارسایی و خلاقیت و کارآمدی سرآمد افراد بشرند و روایات آن‌ها را امیران می‌خراسند، نشان‌دهنده رسیدن زن به جایگاه حقیقی خود است.^۲ امام باقر -علیه‌السلام- در تفسیر آیه ۱۴۸ سوره بقره به جابر بن یزید جعفی در خصوص یاران حضرت مهدی -عجل الله فرجه الشریف- می‌فرماید:

^۱ بحار النوار، جلد ۵۲، ص ۲۲۳

^۲ ۵۹ نکته درباره امام زمان (عج)، سید علی حسینی، قم: انتشاراتی نصر، ۱۳۸۲، ص ۱۹۰

«و یجییء و الله ثلاث مائة و بضعة عشر رجلاً فیهم خمسون امرأة یجتمعون بمكة علی غیر مبعاد قوعاً کقزع الحزیف یتبع بعضهم و هی الایة التی قال الله اَیْنَ مَا تَکُونُوا یَاتِ بِکُمْ اللهُ جَمِیعاً اِنَّ اللهَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ».

«سوگند به خداوند، سیصد و سیزده تن که پنجاه نفر از آنان زن هستند، بی هیچ قرار قبلی در مکه گرد می آیند و این است معنای آیه شریف: هر کجا باشید، خداوند شما را حاضر می کند زیرا او بر هر کاری توانا است»^۱.

زن گذشته از برخی چهره های ماندگار در عرصه های ابتکار و خلاقیت و ادبیات و حماسه و تعهد اجتماعی، که تلقی کرده و آمادگی های فطری و ذاتی شان را ظاهر ساخته اند، بیشتر چنین انسان بودن را همان بودن است که زن با گذار از سنت و مذهب هم نتوانسته است در دوران تجدد، به تغییر و تحولی درخور انسانیت خویش نائل شود؛ چراکه در این دگرگونی ها تنها شکل و شمایل ظاهری اش عوض شده است.

انقلاب ۵۷، یک بار در تاریخ کشورمان نشان داد که می توان از جامعه زنان ایرانی و مسلمان، انتظار قبول جایگاه انسانی و آرمانی خود را داشت. مهم این است که زمینه ها و انگیزه های کمال جویانه را در بنیای زنان به وجود آورده و آنان را در سیر و پویه خود آگاهانه خویش یاری کرد.

دیدگاهی که تنها تکلیف زن در قبال کشور، انقلاب و نظام را مطرح کرده و از اندیشه گری و نهادینه شدن راه کارهای دستیابی زن به حقوق و جایگاهش می گریزد، به نوعی دیگر بر وی جفا می کند. چنان که از آموزه های سبیل دینی برمی آید، رعایت متقابل حقوق، سبب تحکیم پیوندها و تضمین حرکات و نهضت خرافه ها است.

از این رو رهبران و جنبش هایی، کارآمد و کام یاب خواهند بود که دیدگاه ابزاری نسبت به زنان نداشته و در هموارسازی طریق نیل به حقوق و آزادی های انسانی مان بکوشند. انفعال و نومیدی و دل سردی جامعه زنان در برابر تهدیدها و آسیب های اجتماعی، بی گمان محصول بی اعتنایی به خواسته های فطری و کمال گرایانه آنان است که بیشتر در شعارها می ماند و اثری بر عینیت زندگی بر جای نمی گذارد.

^۱ کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، مقدمه، انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین، قم.

از دیدگاه امام خمینی قدس سره، زنان در دوره پهلوی، بیش از مردان، از حقوق انسانی و اجتماعی‌شان محروم بودند و مورد آزار و بیداد قرار گرفتند؛ زیرا که زن تا مرز کالای تجاری سقوط کرده و ابزار سیاست‌های استبدادی و استعماری وقت درآمد بود. تماس با غرب، فقط در بهره‌گیری منفی و انحطاطی بود و هرگز زنان ایرانی را از دست آوردهای علمی و فکری معاصر در مغرب زمین آگاه و برخوردار نساختند.

این‌ها حاکمان تربیت انسانی را از ایران به کلی از بین بردند و تربیت‌های غربی، نه آن‌هم تربیت‌های صحیح غربی، بلکه تربیت‌های فاسد غربی در بین ما رواج دادند. من می‌توانم بگویم که در زمان این پدر و پسر [پهلوی‌ها] به بانوان ما، بیشتر ظلم شد تا به سایر اشخاص^۱.

قلم‌های مسموم خطاکار و گفتار گویندگان بی‌فرهنگ در این نیم‌قرن سیاه اسارت‌بار عصر ننگین پهلوی، زن را با عزلت کالایی خواستند درآورند.^۲ نسبت به زن، این قشر انسان‌پرور و آموزگار چه ظلم‌ها و بی‌انیت‌هایی در ظاهر فریبنده‌ای به اسم زن مرفقی روا داشتند.^۳ از گفتار و مواضع رهبری حتی در دهه‌های پیش از انقلاب به دست می‌آید که وی بیش از هر چیز، دغدغه حجاب و معاشرت زن را داشته است. امام خمینی (ره) از این که رژیم پیشین، در ماجرای کشف حجاب، به زور و خشونت توسل می‌جست و بسا که موجب سقط جنین می‌شد، سخت رنج می‌برد. در کتاب کشف‌الاسرار و نیز خطابه‌ها و اعلامیه‌های وی در طی نهضت و انقلاب، هرگاه از زن مسلمان ایرانی و سرگذشت غم‌بار او یادی رفته است، پوشش اجباری و شرکت در جشن‌های شاهان، که مافی باعفت زنان بوده است در شمار بیدادهای پهلوی آمده است.

به اسم کشف حجاب، چه کارها کردند! چه پرده‌ها دریدند از این ملکت! چه زورگویی‌ها کردند و چه بچه‌ها سقط شد در اثر حمله‌هایی که این‌ها می‌کردند. این‌ها که چادر را از سرشان بکشند.^۴

موضع‌گیری رهبر فقید انقلاب، پیش از قیام ۱۵ خرداد، به هنگام کسب خبر در جهت نکوداشت جشن ۱۷ دی از سوی زنان گردآمده در آرامگاه رضاشاه، حاکی از اهمیت

^۱ صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۴۸

^۲ همان، ج ۱۲، ص ۷۲

^۳ همان، ج ۱۶، ص ۱۲۶

^۴ همان، ج ۱۰، ص ۱۳۹

حجاب از دیدگاه وی بوده است. امام خمینی (ره)، با خاطرنشان کردن فاجعه خونین مسجد گوهرشاد که به حمایت از حجاب زنان صورت گرفت به دولت وقت هشدار می‌دهد که ملت را به بزرگداشت خاطره قیام گوهرشاد مشهد، فرا خواهد خواند. بدین‌سان، می‌توان گفت که رهبری انقلاب، به دلیل خاستگاه روحانی‌اش، همواره رابطه زن و حجاب وی را منظور داشته است.

شاید همان سالِ آخری بود که ۱۵ خرداد بعدش پیش آمد. من شنیدم که زن‌ها می‌خواهند بروند سر قبر رضاشاه و راجع به همین قضیه کشف حجاب تظاهرات بکنند ... گفتم ... اگر این کار را بکنید، من به ملت می‌گویم که عزا بگیرند برای روزی که قتل‌عام کردید در مسجد گوهرشاد!^۱

رهبری انقلاب در جای دیگر، فلسفه مبارزه با کشف حجاب و حمایت از زنان ایرانی را، همانا حفظ قدرت و مدیریت سازندگی جامعه از رهگذر عفاف و تلاش آنان برمی‌شمرد. نقشه این بود که با توجه کشف حجاب مفتضح در زمان قُلدر [رضاخان] این قشر عزیز [زنان] را که جامعه را باید بسازند، تبدیل کنند به یک قشری که فاسد کنند جامعه را.^۲ زنان در دوران استبداد، اندک‌اندک سوره مقام و حقوق سیاسی و اجتماعی خویش شدند. امام خمینی بر این باور بود که شاه هم‌چند از آزادی زن، یا آزاد زنان و آزاد مردان در اجتماع ایرانی سخن می‌راند، درواقع سیج از خودآگاه و روشن‌فکری نمی‌تواند به‌نقد سیاست‌های شاه بپردازد. امام خمینی (ره)، زن دیرباز ایرانی را، اسیر شهوت و خیابان می‌نگریست و یا گرفتار خشونت و زندان.

رژیم شاه است که با غرق کردن آن‌ها [زنان] در امور خلاف اخلاق می‌کوشد تا مانع آن شود که زنان آزاد باشند ... زنان، مانند مردان زندان‌های ایران، سرگردانند.^۳ شاه از آزادی زنان صحبت می‌کند. آزادی کدام زن؟ در ایران زنان شخصیت که خواستار حقوق انسانی خود هستند ... می‌دانند که آزادی زن در مندرج شاه، یعنی به انحطاط کشانیدن زن از مقام انسانی او و در حد یک وسیله با او رفتار کردن. آزادی زن

^۱ همان، ج ۱۳، ص ۶۹

^۲ همان، ج ۱۴، ص ۱۳۰

^۳ همان، ج ۲، ص ۴۴

در منطق شاه، یعنی بر کردن زندان‌ها از زنان ایرانی که حاضر نیستند به پستی‌های اخلاقی شاهانه تن بدهند.^۱

امام خمینی (ره)، زن پیش از انقلاب را که می‌خواست بازگشت به خویشتن خویش داشته و جامعه و فضایی آکنده از روشنایی و عدالت و فضیلت پدید آورد، دچار خشم و کینه شاهانه می‌نگرد. هیچ زنی، بهره‌ای از آزادی اندیشه و بیان و قلم و فعالیت سیاسی و اصلاح‌گرانه نداشت و به کم‌ترین بهانه‌ای دستگیر و روانه زندان می‌شد.

بدین‌سان رهبر فقید انقلاب، گستره زن‌ستیزی و درواقع خودکامگی حاکم بر مردان و زنان آزاداندیش ایرانی را یادآور می‌شود.

زنان و مردان آزاد نیستند که یک‌قلم برخلاف آن‌ها [حاکمان] و بنا به مصلحت مملکت بنویسند. آزاد نیستند یک کلمه راجع به او [شاه] بگویند!^۲ کدام زن توانست راجع به مسائل روز یک کلمه بگوید؟ ... زن‌ها آزاد نبودند که راجع به مسائل جامعه فعالیت کنند یا حرف بزنند؛ راجع به رفاه‌های ملت.^۳

شهید مطهری می‌گوید: «این جهت مقت خودم را صرف این کار کردم که احساس کردم جریان، تنها این نیست که عملاً از حراست در این زمینه پدید آمده است، جریان این است که گروهی در سخنرانی‌ها، در سر کلاس، مدارس و در کتاب‌ها و مقالات خود، نظر اسلام را درباره حقوق و حدود و وظائف زن به‌صورت غلطی طرح می‌کنند و به مصداق «خود می‌کشی و خود تعزیه می‌خوانی»، همان‌ها را و مباح بلیغ علیه اسلام قرار می‌دهند و متأسفانه، توده اجتماع مسلمان ما با منطق اسلام در این موضوعات مانند بسیاری از موضوعات دیگر به‌هیچ‌وجه آشنا نیست. لهذا با کمال تألم و ابرامی را اعم از زن و مرد نسبت به اسلام، بدبین ساخته‌اند. این بود که لازم دانستم منطق اسلام را در این زمینه روشن کنم تا بدانند نه‌تنها نتوان ایرادی بر منطق اسلام گرفت بلکه منطق مستدل و پولادین اسلام درباره زن و حقوق زن و حدود و وظائف زن، بهترین دلیل بر اصالت و حقانیت و جنبه فوق بشری آن است.^۴

^۱ همان، ج ۲۲، ص ۱۵۳

^۲ همان، ج ۹، ص ۱۵۵

^۳ همان، ص ۲۳۱

^۴ مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱، عدل الهی، شهید مطهری، برگرفته از تارنمای تبیان

یکی از اهداف و وظایف اصلی نظام اسلامی اجرای عدالت و احقاق حقوق همه مردم و آحاد جامعه است. زنان نیز به عنوان نیمی از افراد جامعه مانند مردان دارای حقوق مسلمی از جمله حضور در عرصه‌های اجتماعی هستند که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی نمود زیرا:

اولاً: با بررسی آیات و روایات متعدد مشخص می‌گردد که تأکید کتاب و سنت بر حضور پاک و بدون گناه مردان و زنان در صحنه‌های اجتماعی در قالب اشتغال و یا تأمین دیگر نیازهای مشروع فردی و اجتماعی است و از این جهت فرقی بین زن و مرد نیست.^۱ ثانیاً: هم‌چنان که در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تحت عنوان «زن در قانون اساسی» آمد، «در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت اشتغال همه‌جانبه خارجی بودند، هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیچه طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود».

بر این اساس اصول متعددی از قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی موظف شده است که همه امکانات خود را برای تأمین سرق همه‌جانبه افراد اعم از زن و مرد، بکار گیرد (اصول سوم، دهم، بیستم و بیست و نهم قانون اساسی). بنابراین، اصل احقاق حقوق فردی و اجتماعی زنان امری مسلم و از ریشه دولت اسلامی است و این مهم نیز تاکنون دنبال شده و تحول وسیعی در موقعیت اجتماعی، فرهنگی و حقوقی زنان ایران فراهم آمده و در جهت فراهم آوردن زمینه‌های رشد و شکوفایی آن‌ها قدم‌های بزرگی برداشته شده است.

اما باید به یک واقعیت دیگر نیز اذعان نمود و آن وجود برخی چالش‌هایی است که سعی دارند با افراط یا تفریط‌های خود در اجرای سالم این روند اخلاقی و اجتماعی را به انحراف بکشانند و تأکید بیش‌ازحد بر اشتغال زنان یکی از این مسائل است. زیرا با اینکه نظام اسلامی با اشتغال زنان در چارچوب موازین و مقررات شرعی و قانونی موافق و در عمل نیز در حال اجرای آن است؛ اما احقاق این حقوق، نباید به جایگاه مهم و کلیدی زن در عرصه اجتماع و خانواده و شخصیت او آسیب برساند و آن را از سایر حقوق و وظایف فردی و اجتماعی خویش محروم سازد و یا اینکه به حقوق و مسؤولیت‌های سایر آحاد جامعه

^۱ نقش جنسیت در اشتغال و دیدگاه، ابوالفضل گل‌بینی، اسلام و فمینیسم (مجموع مقالات) نشر معارف اسفند ۱۳۷۹

(مردان) خلل وارد آورد. متأسفانه برخی گرایش‌ها بدون در نظر گرفتن این مسائل مهم و اولویت‌های جامعه خصوصاً در مقطع کنونی که برای بسیاری از مردان به‌عنوان مسئول تأمین اقتصاد و معیشت خانواده امکان اشتغال فراهم نیست، به دلیلی بیش از اندازه بر مسئله اشتغال زنان دامن می‌زنند: مهم‌ترین این دلایل عبارت‌اند از:

۱- بهره‌برداری از ویژگی‌ها و شخصیت روحی و روانی زنان در جهت منافع خویش و سودجویی در پرداخت حقوق کمتر، کار بیشتر.

۲- تضعیف نهاد خانواده و زمینه‌سازی برای تهاجم فرهنگی بیگانگان.

۳- ناکارآمد نشان دادن نظام اسلامی در حل مسئله اشتغال و تأکید بیش‌ازحد بر حضور زنان در رفق‌های اجتماعی مختلف و عدم توجه جدی به شرایط و مقرراتی که این مسئله حتماً باید با آن همراه باشد، سبب گردیده که متأسفانه در بسیاری موارد بسیاری زنان و دختران جوان داغسته و نادانسته گرفتار معضلات و مشکلات متعددی گردیده و در این روند نه تنها به حقوق مسلم خود دست پیدا نکرده‌اند بلکه به شخصیت و ارزشی انسانی آنان نیز خدشه وارد شده است.

ازاین‌رو همواره زنان و دختران جامعه اسلامی ما باید به این نکته مهم توجه داشته باشند که بعضی از قیود و محدودیت‌هایی که در احکام و روایات در مورد زنان وارد شده است به‌منظور پاسداشت حریم عفاف و سلامت جامعه و اهمیت مهم‌تر حفظ کرامت و شخصیت واقعی زن متناسب با رسالت همسری و مادری است. تجربه جهان غرب در آزادی‌های نامحدود برای ارتباط زنان و مردان در جامعه (به‌عنوان از یشمندان جامعه غرب) تجربه بسیار تلخی است که زمینه انحطاط خانواده و به دنبال آن سقوط جامعه در منجلاب شهوات را فراهم نمود، که از این رهگذر بیشترین ضرر و زیان نهیب زنان جامعه شد و در نتیجه کرامت و شخصیت زن به پایین‌ترین حد خود تنزل نمود.

بنابراین می‌توان گفت در صورتی که مرد به‌تنهایی می‌تواند زندگی خود و فرزندانش را به‌خوبی تأمین کند و زن نیز از تخصص خاصی برخوردار نیست که جامعه به تخصص آن نیازمند باشد، بهتر آن است که مسئولیت بزرگ فرزندپروری و تربیت فرزندان و همسرمداری را به عهده بگیرد و با فراهم کردن محیط آرام خانه و تقویت کانون خانواده فرزندان صالح، سالم و رشدیافته‌ای را برای جامعه تربیت کند که این بزرگ‌ترین خدمت به جامعه است و مهم‌ترین مسئولیت یک زن در خانه است و اگر زن بتواند به‌خوبی از پس این مسئولیت مهم و حیاتی برآید، بزرگ‌ترین خدمت را به خود، خانواده و جامعه

کرده است. زیرا بیشترین و مهم‌ترین تأثیر در تربیت و پرورش فرزندان را مادران ایفا می‌کنند و برخی از روانشناسان معتقدند قسمت اعظم تربیت فرزند را مادر به عهده دارد. امام خمینی (ره) نیز فرموده‌اند «مرد از دامن زن به معراج می‌رود» درعین حال این بدان معنی نیست که زن در صحنه‌های اجتماعی به‌خصوص در مواردی که از تخصص بالایی برخوردار است یا موفقیت‌های خاصی که ضرورت پیدا می‌کند وارد نشود، مشروط بر آن که حدود شرعی و اخلاقی مورد توجه و رعایت قرار گیرد.

حقوق زنان در جامعه غرب

ساخت شبکه‌های مسلمان میانه‌رو: «مسلمانان میانه‌رو نسبت به زنان مسلمان نظر مساعد دارند. ... برای نمونه مسلمانان میانه‌رو استدلال می‌کنند که احکام تبعیض‌آمیز در قرآن و سنت در مورد جایگاه زنان در جامعه و خانواده (مثل نصف بودن ارث دختران نسبت به پسران) باید بر این اساس تفسیر مجدد گردد که شرایط امروزه با شرایط حاکم در زمان پیامبر یکسان نیست. مسلمانان میانه‌رو از شهروندی برابر و حقوق قانونی غیرمسلمانان طرفداری می‌کنند.»

از نیمه دوم قرن بیستم تا کنون هر دوره قدرت‌های غربی کوشیده‌اند با استفاده از ابزار حقوق زن و با استناد به مصوبات سازمان ملل، کشورهای مخالف خود را تحت فشار قرار دهند. در سال ۱۹۷۶ پیش‌نویس کنوانسیون جمع تبعیض علیه زنان تصویب شد؛ در سال ۱۹۷۹ مجمع عمومی سازمان ملل آن را تصویب کرد و از سوم سپتامبر ۱۹۸۱ (۱۲ شهریور ۱۳۶۰) برای همه کشورهای عضو سازمان ملل، لازم‌الاجرا شد.

علیرغم تعارض آشکار موادی از این کنوانسیون با قوانین و مقررات قطعی اسلام و جمهوری اسلامی و علیرغم نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۶ که الحاق به این کنوانسیون را به هیچ وجه و لو به صورت مشروط صلاح نداشتند، در سال ۱۳۷۸ مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری به سازمان ملل تعهد می‌دهد که امکان الحاق ایران به کنوانسیون مزبور را فراهم خواهد کرد؛ و نهایتاً الحاق به این کنوانسیون در هیئت دولت به تصویب رسید؛ جک استراو، وزیر امور خارجه وقت انگلیس، مسئولان کشور آلمان و نمایندگان اتحادیه اروپا از این تصمیم حمایت کردند؛ و تصویب نهایی آن را مقدمه و زمینه‌ای برای الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی دانستند.